

پتروگرافی و شیمی کانی‌های دایک‌های بازالتی غرب بروندی (جنوب غرب اردستان، ایران): شواهدی از اختلاط ماقمائی

عبدالرزاقد جباری^{*۱}، منصور قربانی^۱، یورگن کوپکه^۲، قدرت ترابی^۲ و نرگس شیردشتزاده^۲

^۱ دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ گروه زمین‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه اصفهان، ایران

^۳ انستیتوی کانی‌شناسی، دانشگاه هانوفر، آلمان

چکیده

در منطقه بروندی (جنوب غرب اردستان) که بخشی از نوار ماقمایی ارومیه – دختر است، دایک‌های بازالتی میوسن با ساخت منشوری واحدهای آتشفشنای ائوسن را قطع نموده‌اند. این سنگ‌ها دارای انکلاوهای گرانیتوئیدی الیگوسن بوده و سن احتمالاً میوسن را نشان می‌دهند. کانی‌های سازنده آن‌ها الیوین‌های کلریتی، کلینوپیروکسن، پلازیوکلاز، کلریت، ایلمنیت و مگنتیت هستند. بافت‌های عمدۀ این سنگ‌ها نیز پورفیری، میکرولیتی پورفیری، گلومروفیریک، و بافت غربالی پلازیوکلازها است. کلینوپیروکسن‌ها دارای ترکیب اوژیت تا دیوپسید بوده و پلازیوکلازها نیز دارای طیف ترکیبی لابرادوریت تا بیتونیت هستند. کلریت‌ها از نوع دیابانتیت بوده و اغلب از دگرسانی الیوین‌ها به وجود آمده‌اند. برخی از کلریت‌ها نیز در زمینه سنگ دیده می‌شوند. بررسی‌های پتروگرافی و شیمی کانی‌ها نشان می‌دهد که ماقمای سازنده این سنگ‌ها دچار اختلاط ماقمایی شده، هنگام در حین صعود نیز بخش‌هایی از سنگ دیواره را که بیشتر دارای ترکیب گرانیتوئید هستند، با خود حمل نموده است. این سنگ‌ها ویژگی‌های مشابه با بازالت‌های قوس‌های آتشفشنای را دارند.

واژه‌های کلیدی: اردستان، ارومیه – دختر، ایران، بازالت، کانی‌شناسی

مقدمه

به‌همراه سنگ‌های آتشفشنایی، توده‌های نفوذی اسیدی و بازی وجود دارند (درویش زاده، ۱۳۷۰؛ امامی و همکاران، ۱۳۷۱؛ قربانی، ۱۳۸۲؛ Berberian, 1981) از جدیدترین بررسی‌های زمین‌شناسی ارائه شده در مورد نوار ماقمایی ارومیه – دختر می‌توان به (Omranی et al., 2008) اشاره نمود که در آن تشکیل این پهنه

نوار ماقمایی (ارومیه – دختر) بیشتر از سنگ‌های آتشفشنایی و در امتداد پهنه طویلی از سهند تا بزمان با روند (شمال‌باختری – جنوب‌خاوری) به طول ۱۷۰۰ کیلومتر و پهنه‌ای تقریبی ۱۵۰ کیلومتر به موازات پهنه سندنج – سیرجان قرار دارد. در این پهنه ماقمایی

است. نامبرده آتشفشاری‌های الیگو-میوسن این منطقه را آندزیت‌های زیردریایی دانسته که همراه مارن و آهک دیده می‌شوند.

در پنج کیلومتری غرب روستای برونى (جنوب غرب اردستان) دایک‌های بازالتی با ساخت منشوری سنگ‌های آتشفشاری ائوسن با ترکیب آندزیت تا داسیت را قطع می‌نمایند. امتداد این دایک‌ها شرقی - غربی بوده، حجم زیادی ندارند. این واحد آتشفشاری در غرب معدن منگنز بغم نیز قابل مشاهده هستند.

در مطالعاتی که بر روی این منطقه صورت پذیرفته‌اند، سنگ‌های مورد بررسی تاکنون گزارش نشده‌اند، اما بر اساس بررسی‌های صحرایی وجود انکلاوهای گرانیتوئیدی الیگوسن در پتروگرافی این سنگ‌ها، می‌توان سن آن را بعد از الیگوسن و احتمالاً میوسن در نظر گرفت. بهترین رخمنون این سنگ‌ها در نزدیکی سد برونى با مختصات جغرافیایی 15° E , 37.8° N و 16° E , 48.6° N است. نقشه زمین‌شناسی ساده شده این ناحیه و تصاویر صحرایی در شکل‌های ۱ و ۲ آورده شده است.

از آن جایی که بازالت‌ها مagmaهای اولیه یا اندکی تغییر یافته هستند (Rollinson, 1993) که از گوشته منشأ گرفته، داده‌های بسیار مهمی در اختیار زمین‌شناسان قرار می‌دهند، بررسی این بازالت‌ها که متعلق به کمان ماجمایی ارومیه - دختر بوده، دارای سن احتمالی میوسن هستند، اطلاعات ارزشمندی در مورد گذشته زمین‌شناسی این بخش از سرزمین ایران و فرآیندهای درگیر در ماجماتیسم بازالتی آن ارائه خواهد نمود.

در انجام این تحقیق بررسی پتروگرافی و شیمی کانی‌های موجود در دایک‌های بازالتی منشوری غرب روستای برونى مورد نظر خواهد بود.

ماگمایی به فرورانش پوسته اقیانوسی نئوتیس از تریاس تا ائوسن به زیر صفحه ایران در نظر گرفته شده است. Amidi (۱۹۷۷) سنگ‌های ولکانیک ائوسن در ناحیه نظر - سورک را به صورت شش فاز تقسیم نموده است که به ترتیب عبارتند از:

(۱) سنگ‌های ریولیتی که به صورت توف و ایگنمبریت در محیط دریایی بسیار کم عمق همراه با کنگلومرا و آهک‌های تخریبی نهشته شده‌اند؛
(۲) سنگ‌های آندزیتی زیرین که بیشتر از نوع آندزیت و آندزیت‌های پتاسیم‌دار هستند؛

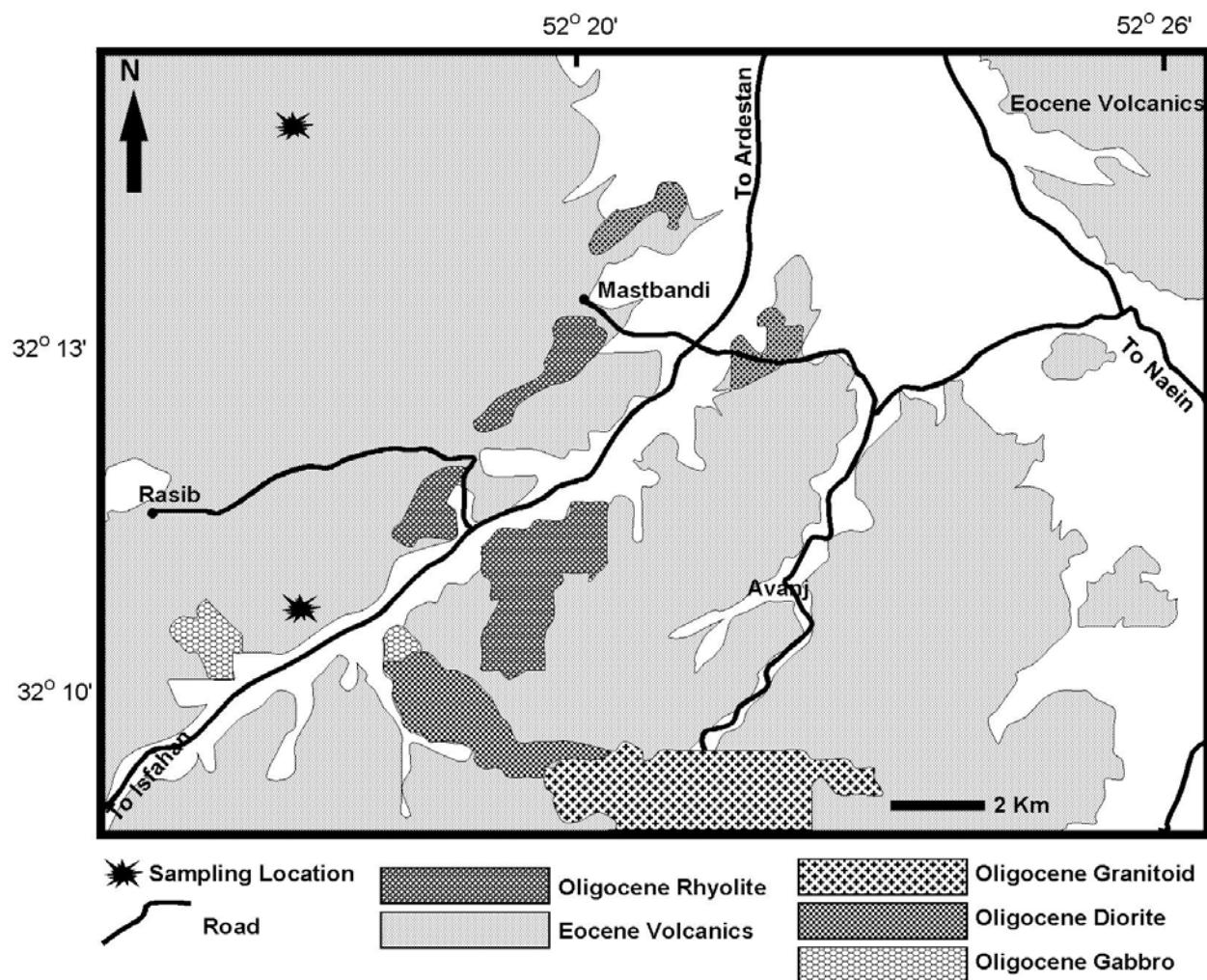
(۳) سنگ‌های ریوداسیتی که نمایانگر یک فعالیت قاره‌ای هستند و به طور محلی به صورت گنبذ ظاهر می‌شوند. در بعضی نواحی نیز حالت ایگنمبریتی دارند. این فعالیت آتشفشاری اسیدی که در بسیاری از قسمت‌های ایران مشاهده می‌شود، با داشتن سطحی فرسایش یافته در قسمت بالایی خود، دلیلی بر رخداد یک فاز تکتونیکی مهم و فراگیر در ائوسن است؛

(۴) سنگ‌های آندزیت میانی، به فراوانی به صورت سنگ‌های آذرآواری و سنگ‌های جریانی - آندزیتی دیده می‌شوند. در این مرحله فعالیت ریولیتی از نوع قاره‌ای، به صورت توف‌های اسفرونیتی و ایگنبریتی دیده می‌شوند؛

(۵) سنگ‌های سری شوشونیتی شامل آبساروکیت، شوشونیت، تراکی آندزیت و توسکانیت که آنالسیم در آنها فراوان است؛

(۶) سنگ‌های آندزیتی بالایی که به سوی قطب غنی از آلومینیوم تمایل داشته، دارای چند فعالیت کوچک از نوع اسیدی هستند.

سنگ‌های ولکانیک الیگوسن این (Amidi, 1977) منطقه را ریولیت‌های قاره‌ای می‌داند که نشان‌دهنده خشکی‌زایی وسیعی در اوخر ائوسن و اوایل الیگوسن



شکل ۱- نقشه زمین‌شناسی ساده‌شده منطقه مورد بررسی و محل‌های نمونه‌برداری

(برگرفته از نقشه زمین‌شناسی با مقیاس ۱/۱۰۰۰۰۰ اردستان).

الکترون‌میکروپرورب Cameca SX-100 دانشگاه هانوفر (Hanover) آلمان با ولتاژ شتاب‌دهنده ۲۰ kV و جریان A ۱۵ nA بررسی شدند که نتایج آن در جدول‌های ۱ تا ۳ آورده شده است. در محاسبه مقدار Fe^{3+} برای دسترسی به فرمول ساختاری کانی‌ها نیز از استوکیومتری کانی‌ها (Droop, 1987) استفاده شد.

روش انجام پژوهش

پس از بررسی‌های صحرایی به منظور مطالعه میکروسکوپی و دسترسی به ترکیب شیمیایی کانی‌ها از دایک‌های بازالتی منشوری نمونه‌برداری صورت گرفت و پس از تهیه مقاطع نازک - صیقلی (Thin-polished section) نمونه‌های مناسب با استفاده از دستگاه آنالیز نقطه‌ای

جدول ۲- ادامه.

Sample	bb7-10	bb7-10	bb7-10	bb6-2	bb6-2	bb6-3	bb6-4	bb6-5	bb6-7	bb6-7	bb6-7	bb6-8	bb6-8	bb6-10	bb6-10	
Point	60.00	61.00	62.00	105.00	108.00	110.00	111.00	113.00	115.00	121.00	122.00	123.00	124.00	125.00	132.00	
Size	P9	P10	P11	P	P	P	G	P	P	P	G	P	P	P	P	PI in another PI
SiO ₂	47.94	50.17	53.94	45.50	45.57	53.48	46.42	54.21	47.21	44.00	43.80	51.37	45.87	45.36	44.45	49.01
TiO ₂	0.03	0.05	0.08	0.01	0.00	0.08	0.01	0.10	0.02	0.04	0.01	0.08	0.04	0.01	0.01	0.05
Al ₂ O ₃	32.05	30.74	28.34	34.22	33.90	27.70	33.53	27.63	33.01	34.26	34.29	28.71	33.63	34.03	32.99	29.31
Cr ₂ O ₃	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.01	0.00	0.00	0.00	0.00	0.01	0.00	0.00	0.03	0.00	0.00
FeO	0.80	0.96	1.14	0.51	0.53	0.99	0.57	1.31	0.65	0.54	0.71	1.27	0.62	0.52	0.71	1.33
MnO	0.05	0.04	0.04	0.00	0.00	0.03	0.00	0.00	0.03	0.00	0.00	0.01	0.00	0.00	0.00	0.06
MgO	0.08	0.10	0.09	0.08	0.04	0.30	0.12	0.21	0.13	0.09	0.06	0.14	0.15	0.07	0.11	0.07
CaO	16.46	14.88	12.23	18.19	18.18	11.51	17.59	11.02	16.88	18.54	18.89	12.13	17.68	18.31	19.18	15.41
Na ₂ O	2.35	3.14	4.67	1.34	1.38	4.97	1.50	5.37	2.04	1.47	1.20	5.08	1.69	1.35	1.52	3.62
K ₂ O	0.12	0.15	0.29	0.03	0.02	0.21	0.03	0.27	0.06	0.03	0.03	0.22	0.04	0.04	0.02	0.12
Total	99.88	100.23	100.82	99.88	99.62	99.25	99.79	100.13	100.00	99.00	99.00	99.73	99.72	99.00	99.00	99.00
Si	2.21	2.30	2.44	2.11	2.11	2.45	2.15	2.46	2.18	2.06	2.06	2.38	2.13	2.11	2.09	2.29
Ti	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
Al	1.74	1.66	1.51	1.87	1.85	1.49	1.82	1.48	1.79	1.89	1.90	1.56	1.84	1.86	1.83	1.61
Fe ²⁺	0.03	0.04	0.04	0.02	0.02	0.04	0.02	0.05	0.03	0.02	0.03	0.05	0.02	0.02	0.03	0.05
Fe ³⁺	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
Mn	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
Mg	0.01	0.01	0.01	0.01	0.00	0.02	0.01	0.01	0.01	0.00	0.01	0.01	0.01	0.01	0.01	0.01
Ca	0.81	0.73	0.59	0.90	0.90	0.57	0.87	0.54	0.83	0.93	0.95	0.60	0.88	0.91	0.97	0.77
Na	0.21	0.28	0.41	0.12	0.12	0.44	0.13	0.47	0.18	0.13	0.11	0.46	0.15	0.12	0.14	0.33
K	0.01	0.01	0.02	0.00	0.00	0.01	0.00	0.02	0.00	0.00	0.00	0.01	0.00	0.00	0.00	0.01
Total	5.02	5.02	5.02	5.02	5.02	5.02	5.01	5.04	5.02	5.05	5.05	5.07	5.03	5.02	5.06	5.07
Ab	20.40	27.40	40.20	11.70	12.10	43.30	13.30	46.10	17.90	12.60	10.30	42.60	14.70	11.70	12.60	29.70
An	79.00	71.70	58.20	88.10	87.90	55.50	86.50	52.30	81.70	87.30	89.50	56.20	85.10	88.10	87.40	69.60
Or	0.70	0.90	1.70	0.20	0.10	1.20	0.20	1.60	0.40	0.20	0.20	1.20	0.20	0.20	0.10	0.60
Pig name	B	B	L	B	B	L	B	B	B	L	B	B	B	B	L	

پتروگرافی و شیمی کانی‌ها

بازالت‌های مورد بررسی در نمونه‌دستی دارای رنگ تیره بوده، ساخت منشوری و ظاهری نهان بلورین دارند. اندازه این منشورها در مقاطع عرضی حدود ۱۰ تا ۳۰ سانتی‌متر است (شکل ۲).

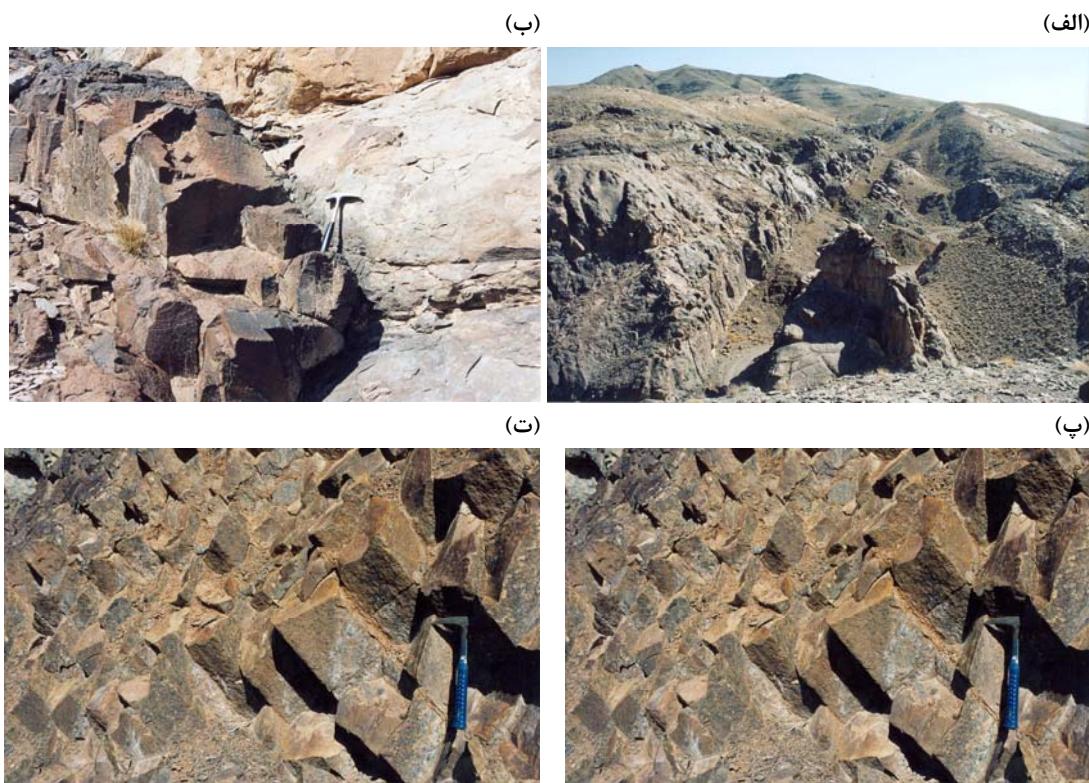
این سنگ‌ها در بررسی‌های میکروسکوپی دارای بافت پورفیری، گلومرپورفیری، پورفیری میکرولیتی، اینترگرانولر، افیتیک و غربالی هستند. کلینوپیروکسن، پلازیوکلاز، الیوین‌های کلریتی، مگنتیت و ایلمینیت پورفیرهای این سنگ‌ها بوده، در زمینه آنها بیشتر پلازیوکلاز، کلینوپیروکسن و کلریت دیده می‌شود. درشت‌بلورهای کلینوپیروکسن حدود ۱۰٪ سنگ، و درشت‌بلورهای پلازیوکلاز حدود ۱۵٪ را به خود اختصاص داده، اندازه آن‌ها به ۳ میلی‌متر نیز می‌رسد. درشت‌بلورهای این کانی‌ها، شکل دار تا نیمه‌شکل دار هستند، اما در زمینه سنگ بیشتر به صورت نیمه‌شکل دار

جدول ۳- نتایج آنالیز نقطه‌ای کلریت‌های موجود در بازالت‌های منشوری غرب برونی (جنوب‌غرب اردستان) و نتایج محاسبه فرمول ساختاری (وجود آب فراوان در ساختار کانی کلریت دلیل اختلاف بسیار زیاد جمع اکسید عناصر از ۱۰۰ است).

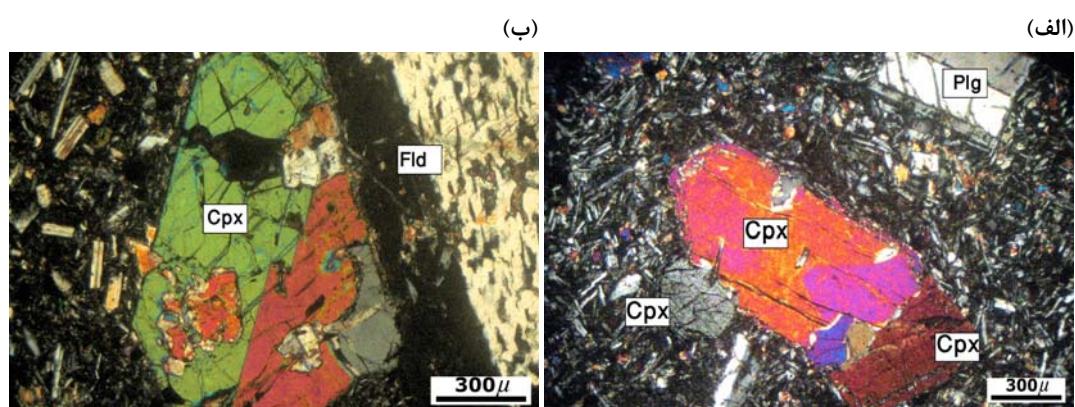
Comment	bb6-4	bb6-5	bb6-9	bb6-9	bb7a-9	bb7c-1	bb7c-3
Point	112	116	128	129	23	24	35
SiO ₂	41.29	42.73	42.5	43.13	38.86	37.68	<u>27.14</u>
TiO ₂	0.03	0.04	0.03	0	0.03	0.05	0
Al ₂ O ₃	8.04	9.25	8.04	8.02	10.95	15.17	10.67
Cr ₂ O ₃	0.04	0.05	0	0.07	0.01	0.07	0.06
FeO	22.36	20.44	24.09	23.11	20.73	19.57	22.72
MnO	0.82	0.34	0.64	0.49	0.2	0.22	0.24
MgO	8.45	11.2	10.35	11.11	14.88	8.31	15.28
CaO	3.03	2.66	2.69	2.55	1.92	0.92	0.71
Na ₂ O	0.11	0.24	0.04	0	0.17	0.11	0.07
K ₂ O	0.45	1.1	0.31	0.12	0.71	3.03	0.82
Total	84.63	88.05	88.67	88.6	88.46	85.13	77.71
تجزیه الیوین	زمینه	زمینه	زمینه	زمینه	تجزیه الیوین	تجزیه الیوین	
Type	112	116	128	129	23	24	35
Point	6.23	6.11	6.14	6.18	5.57	5.61	4.66
Ti	0	0	0	0	0	0.01	0
Al ^{IV}	1.43	1.56	1.37	1.35	1.85	2.39	2.16
Al ^{VI}	0	0	0	0	0	0.27	0
Cr	0.01	0.01	0	0.01	0	0.01	0.01
Fe ²⁺	2.82	2.45	2.91	2.77	2.49	2.44	3.26
Fe ³⁺	0	0	0	0	0	0	0
Mn	0.11	0.04	0.08	0.06	0.02	0.03	0.04
Mg	1.9	2.39	2.23	2.37	3.18	1.85	3.91
Ca	0.49	0.41	0.42	0.39	0.3	0.15	0.13
Na	0.03	0.07	0.01	0	0.05	0.03	0.02
K	0.09	0.2	0.06	0.02	0.13	0.58	0.18
Cations	13.11	13.23	13.21	13.15	13.59	13.35	14.36
Fe#	0.6	0.51	0.57	0.54	0.44	0.57	0.45
Mg#	0.4	0.49	0.43	0.46	0.56	0.43	0.55

رنگ سبز هستند و از دگرسانی الیوین‌ها و نیز در زمینه سنگ از دگرسانی پیروکسن‌ها به وجود آمده‌اند. تصاویر میکروسکوپی سنگ‌های مورد بررسی در شکل ۳ آورده شده است.

تا بی‌شک دیده می‌شوند. کلینوپیروکسن و پلاژیوکلاز‌های این سنگ‌ها سالم بوده، اما الیوین‌ها کلریتی و بخش‌هایی از آنها به ایلمنیت‌های مگنتیتی تبدیل شده‌اند. کلریت‌های موجود در این سنگ‌ها دارای



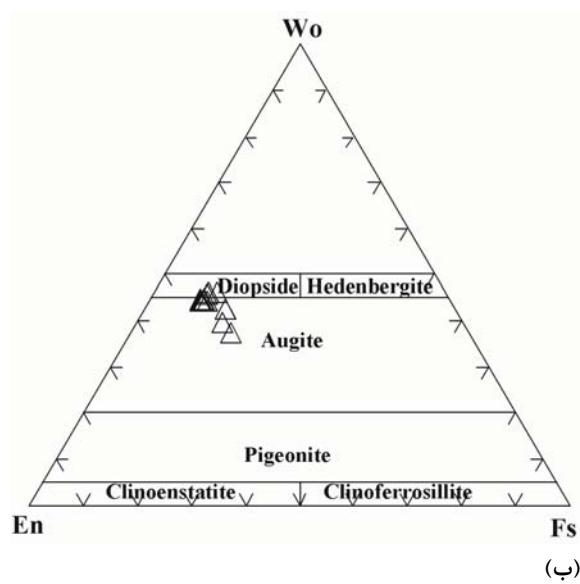
شکل ۲- تصاویر صحراوی بازالت‌های مورد بررسی. (الف)، (ب) قطع‌شدن و لکانیک‌های اثوسن توسط دایک‌های مورد بررسی، (پ)، (ت) نمای نزدیک بازالت‌های دارای ساخت منشوری.



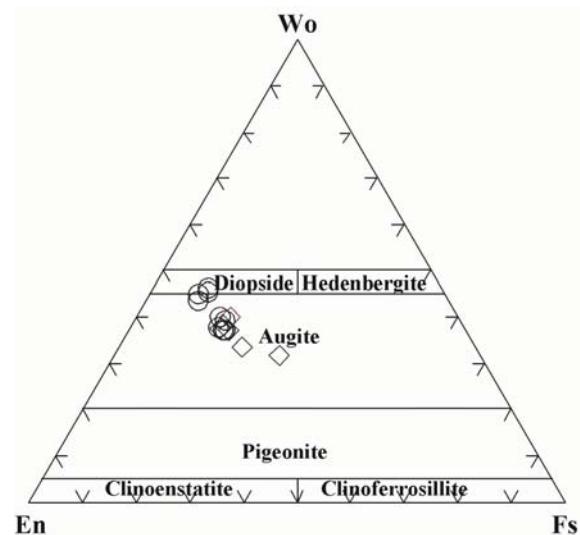
شکل ۳- تصاویر میکروسکوپی بازالت‌های منشوری غرب برونی (جنوب غرب اردستان). (الف) بافت پورفیری بهصورت درشت‌بلورهای پلاژیوکلاز و کلینوپیروکسن سالم (نوع اول) در زمینه‌ای از میکرولیت‌های پلاژیوکلاز، کلینوپیروکسن، مگنتیت و ایلمنیت، (ب) درشت‌بلورهای پلاژیوکلاز و کلینوپیروکسن نوع دوم که دارای بافت غربالی و ادخال هستند.

موجود در زمینه نیز بر دو نوع هستند (شکل‌های ۴ و ۵). درشت‌بلورهای پلاژیوکلاز نیز دارای دو محدوده ترکیبی لابرادریت - بیتونیت و لابرادریت هستند. پلاژیوکلازهای موجود در زمینه دارای دو محدوده ترکیبی بیتونیت-لابرادریت و لابرادریت هستند.

(الف)



(ب)



شکل ۴- موقعیت کلینوپیروکسن‌های آنالیزشده در دیاگرام تقسیم‌بندی پیروکسن‌ها. (الف) فنوکریست‌های کلینوپیروکسن نوع اول (با علامت مثلث)؛ (ب) فنوکریست‌های کلینوپیروکسن نوع دوم (با علامت دایره) و کلینوپیروکسن‌های موجود در زمینه (با علامت لوزی).

در بررسی پتروگرافی تعدادی از نمونه‌ها وجود قطعات سنگی گرانیتوئیدی به خوبی مشخص است. کانی‌های این انکلاوها از اطراف ذوب شده و دارای خوردگی خلیجی هستند. بررسی پتروگرافی و مشخصات میکروسکوپی کلینوپیروکسن‌ها نشان می‌دهد که برخی از فنوکریست‌های کلینوپیروکسن درشت‌تر بوده، دارای منطقه‌بندی هستند، اما نوع دوم فنوکریست‌های کلینوپیروکسن کوچکتر بوده، دارای منطقه‌بندی نیستند. در محاسبه فرمول ساختاری فنوکریست‌های نوع دوم و فنوکریست‌های موجود در زمینه، مقدار Al^{VI} صفر در نظر گرفته شده است.

درشت‌بلورهای پلاژیوکلاز نیز به دو صورت سالم و یا غربالی با خوردگی خلیجی و منطقه‌بندی دیده می‌شوند. برخی از فنوکریست‌های پلاژیوکلاز دارای ادخال‌هایی از کلینوپیروکسن بوده، برخی از فنوکریست‌های کلینوپیروکسن دارای ادخال‌هایی از پلاژیوکلاز در حاشیه هستند.

وجود دو بافت اینترگرانولر و افیتیک در این سنگ‌ها نشان می‌دهد که در بخشی از این سنگ‌ها تبلور کلینوپیروکسن قبل از تبلور پلاژیوکلاز رخ داده است و در بخشی دیگر پلاژیوکلازها قبل از کلینوپیروکسن متبلور شده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده عدم یک تبلور ساده حاصل از یک ماقمای بازالتی واحد است.

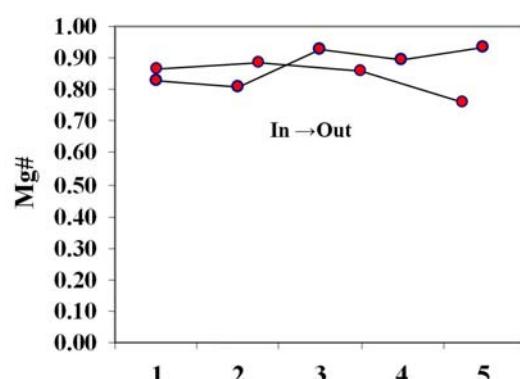
بررسی شیمی کانی‌های موجود در این سنگ‌ها با استفاده از دستگاه الکترون‌میکروپرور نشان می‌دهد که کلینوپیروکسن‌ها از نوع دیوپسید و اوژیت هستند. فنوکریست‌های پلاژیوکلاز نوع سالم (نوع اول) از نظر ترکیبی کلسیک‌تر از فنوکریست‌های پلاژیوکلاز دارای منطقه‌بندی با بافت غربالی و خوردگی خلیجی (نوع دوم) هستند. بر اساس ترکیب شیمیایی، پلاژیوکلازهای

میکروسکوپی دارای انکلاوهای گرانیتی‌بودی الیگوسن هستند، لذا سن این واحد سنگی بر اساس روابط صحرایی و بررسی‌های پتروگرافی بعد از الیگوسن و احتمالاً میوسن است.

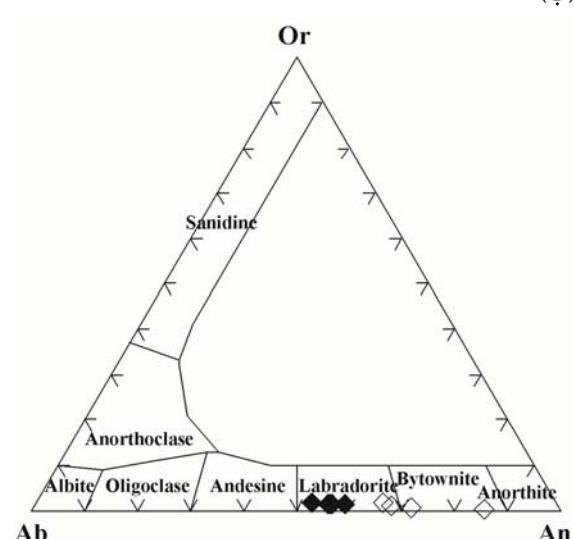
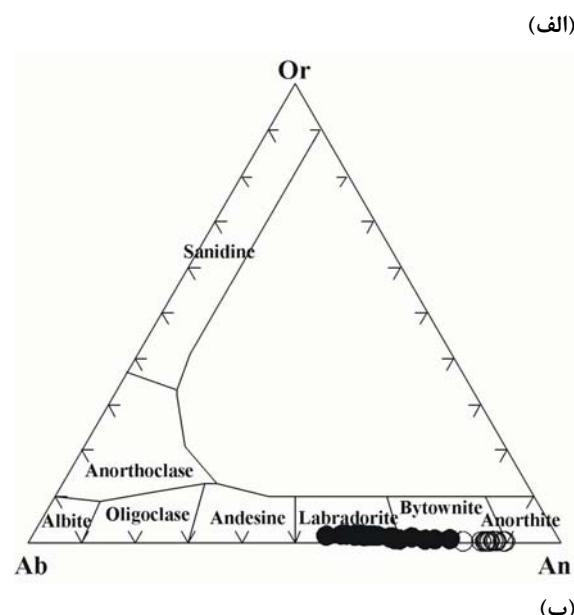
در بررسی‌های میکروسکوپی این سنگ‌ها وجود دو فنوکریست کلینوپیروکسن و دو نوع فنوکریست پلازیوکلاز به خوبی مشخص است. مطالعه شیمی فنوکریست‌های کلینوپیروکسن، و کلینوپیروکسن‌های موجود در زمینه (مقدار Al^{VI} آنها) نشان می‌دهد که برخی از فنوکریست‌ها (نوع اول)، با سایر فنوکریست‌ها (نوع دوم) و تمام کلینوپیروکسن‌های موجود در زمینه متفاوتند.

بررسی تغییرات ترکیب فنوکریست‌های کلینوپیروکسن دارای منطقه‌بندی (نوع اول) نشان می‌دهد که مقدار $\text{Mg}^{\#}$ آنها از مرکز به حاشیه افزایش و در برخی دیگر کاهش می‌یابد (شکل ۶).

کلینوپیروکسن‌ها یکی از مهمترین کانی‌های موجود در سنگ‌های آذرین بوده که بررسی ترکیب شیمیایی و محاسبه فرمول ساختاری آن‌ها اطلاعات بسیار مهمی در مورد سنگ در برگیرنده آن‌ها ارائه خواهد نمود
(Leterrier *et al.*, 1982)



شکل ۶- بررسی تغییرات ترکیب فنوکریست‌های کلینوپیروکسن دارای منطقه‌بندی (نوع اول).



شکل ۵- موقعیت پلازیوکلازهای مورد بررسی در مثلث فلدسپات‌ها. الف) وجود دو نوع فنوکریست پلازیوکلاز به خوبی مشخص است. پلازیوکلازهای نوع اول با علامت دایره تو خالی و پلازیوکلازهای نوع دوم با علامت دایره توپر آورده شده‌اند، ب) پلازیوکلازهای موجود در زمینه. وجود دو نوع پلازیوکلاز در زمینه به خوبی مشخص است.

بحث

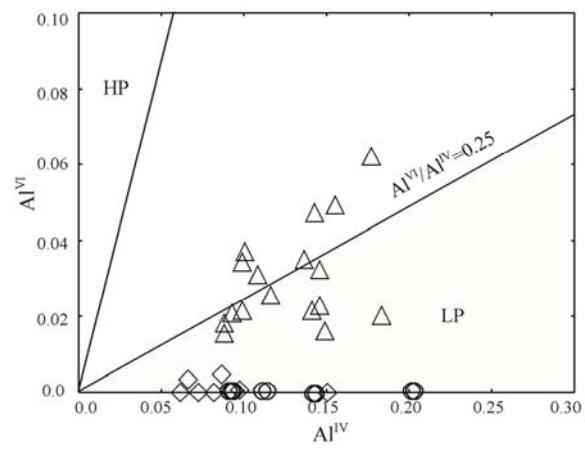
از آن جایی که در بررسی‌های صحرایی، بازالت‌های منشوری مورد مطالعه به صورت دایک‌های سنگ‌های ولکانیک ائوسن را قطع نموده، در بررسی‌های

بررسی منطقه‌بندی موجود در پلاژیوکلازها نشان می‌دهد که منطقه‌بندی از نوع نوسانی بوده که بیانگر تغییر ترکیب مداوم ماقمای در حال تبلور پلاژیوکلاز است. تغییرات مقدار آنورتیت موجود در پلاژیوکلازها از مرکز به حاشیه در شکل ۹ آورده شده است.

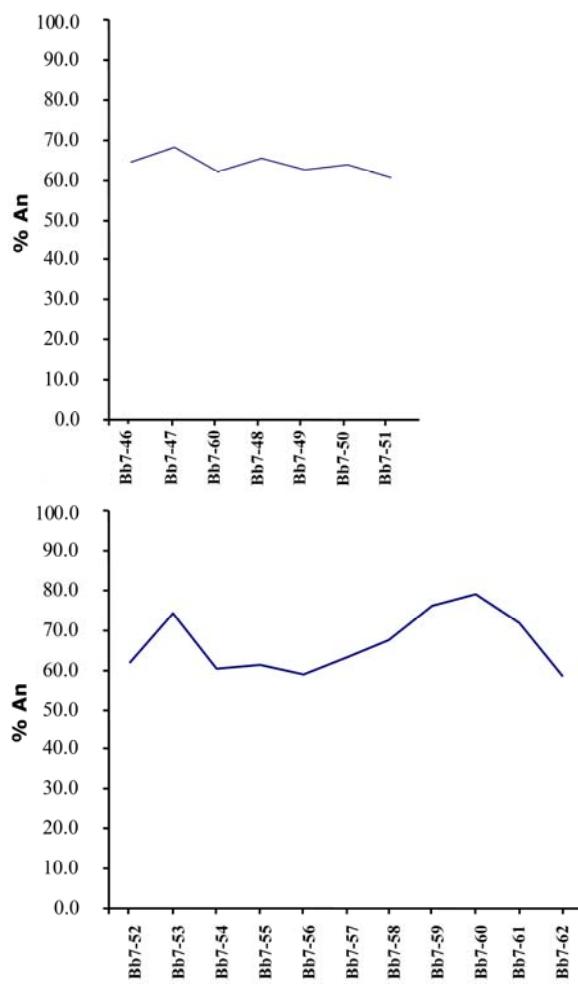
جدول ۴ - ژئوتربومتری کلینوپیروکسن‌های مورد بررسی با استفاده از روش ژئوتربومتری تک‌کلینوپیروکسن (Nimis and Taylor, 2000)

Samples	Thermometry			Barometry Nimis (2000)	Thermometry Nimis and Taylor(2000) (based on Pressures from Barometry of Nimis (2000))		
	Pressures (kbar):						
	1	5	10				
Temperatures (°C):							
Cpx Type 1							
1	887	894	904	-	874		
3	950	959	969	-	938		
4	966	974	985	-	954		
29	964	972	983	5.3	973		
38	947	955	966	5.0	955		
58	1054	1063	1074	5.7	1064		
59	1085	1094	1105	6.6	1097		
100	959	967	978	7.7	973		
102	957	966	976	5.2	966		
103	982	990	1001	5.7	992		
104	971	979	990	4.3	978		
106	942	950	961	4.3	949		
114	973	981	992	5.3	982		
117	903	911	921	5.6	944		
118	868	876	886	4.6	875		
119	935	943	953	3.8	909		
Cpx Type 2							
7	806	813	822	-	796		
17	851	859	869	-	841		
18	725	732	740	3.7	730		
19	1009	1018	1029	4.2	1016		
20	1051	1060	1071	4.6	1059		
21	1032	1041	1052	4.2	1039		
33	1100	1110	1121	4.7	1109		
39	654	660	668	3.5	657		
42	967	975	986	3.0	971		
120	1080	1089	1100	4.9	1089		
Cpx Groundmass							
16	970	979	989	-	961		
26	1087	1097	1108	4.5	1095		
28	1072	1081	1092	4.3	1079		
31	1070	1079	1091	4.2	1077		
33	1100	1110	1121	4.7	1109		
34	1105	1115	1126	4.7	1114		
43	1022	1030	1041	2.4	1025		

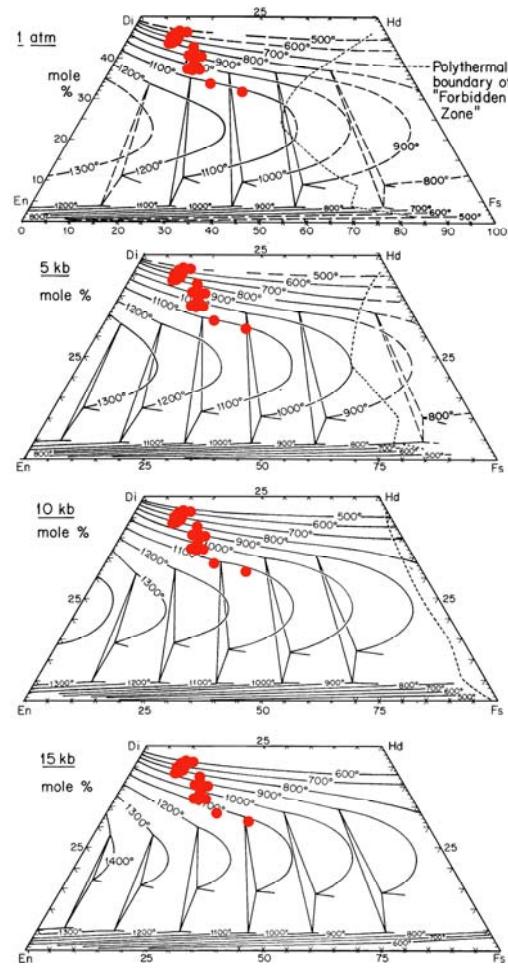
ترسیم Al^{VI} در برابر Al^{IV} موجود در فرمول ساختاری (Aoki and Shiba, 1973) برای کلینوپیروکسن‌های مورد مطالعه نیز نشان می‌دهد که برخی از درشت‌بلورهای کلینوپیروکسن در فشارهای بیشتر تشکیل شده‌اند (کلینوپیروکسن‌های موجود در بازالت اول) و برخی دیگر (فنوکریست‌ها کلینوپیروکسن نوع دوم) در شرایطی همانند کلینوپیروکسن‌های موجود در زمینه در فشارهای بسیار کم تشکیل شده‌اند و احتمالاً بیانگر تبلور آنها در حین صعود است (شکل ۷). این شکل نشان می‌دهد که اختلاط ماقمایی بعد از تبلور تمام کلینوپیروکسن‌های بازالت اول رخداده است زیرا که تمامی کلینوپیروکسن‌های نوع اول به صورت درشت‌بلور هستند. مقدار و نوع Al موجود در ساختار کلینوپیروکسن‌ها تابعی از فشار است (Aoki and Shiba (1973). تربومبارومتری کلینوپیروکسن‌ها دمای ۷۳۰ تا ۱۱۱۴ درجه سانتی‌گراد و فشار ۲/۴ تا ۷/۷ کیلوبار را نشان می‌دهد که در توافق با نتایج حاصل از ترمومتری (Lindsley (1983) است. نتایج محاسبات در شکل ۸ و جدول ۴ آورده شده است.



شکل ۷- ترسیم Al^{VI} در برابر Al^{IV} کلینوپیروکسن‌های مورد مطالعه. فنوکریست‌های کلینوپیروکسن نوع اول با علامت مثلث، فنوکریست‌های کلینوپیروکسن نوع دوم با علامت دایره و کلینوپیروکسن‌های زمینه با علامت لوزی مشخص شده‌اند (Aoki and Shiba, 1973)



شکل ۹- بررسی تغییرات مقدار درصد آنورتیت در دو نمونه از فنوکریست‌های پلازیوکلاز نوع دوم که دارای منطقه‌بندی هستند.



شکل ۸- ژئوترمومتری کلینوپیروکسن‌ها بر اساس روش Lindsley (1983) برای فشارهای ۱، ۵، ۱۰ و ۱۵ کیلوبار.

جدول ۵- نتایج ترمومتری کلریت‌های موجود در سنگ‌های مورد بررسی. نقاط ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۸ و ۱۲۹، کلریت‌های موجود در زمینه سنگ و نقاط ۲۳، ۲۴ و ۳۵ نیز کلریت‌های حاصل دگرسانی الیوین‌ها هستند. در ترمومتری کلریت‌ها از سه منبع مختلف استفاده شد.

	Cathelineau and Nieva (1985)	Cathelineau (1988)	Jowett (1991)
Point	T1	T2	T3
112	322.31	398.19	447.49
116	349.82	439.72	504.21
128	309.08	378.23	438.15
129	306.09	373.72	438.27
23	411.89	533.42	622.27
24	527.07	707.29	751.95
35	477.37	632.27	743.46

ترمومتری کلریت‌ها (Jowett, 1991; Cathelineau, 1988; Cathelineau and Nieva, 1985) نیز نشان می‌دهد که دمای تشکیل کلریت‌ها موجود در زمینه، ۳۲۲ تا ۵۰۴ درجه سانتی‌گراد، و دمای تشکیل کلریت‌های حاصل دگرسانی الیوین‌ها، ۴۱۱ تا ۷۵۱ درجه سانتی‌گراد است. این ترمومتری نشان می‌دهد که کلریت‌های حاصل از دگرسانی الیوین‌ها در دمای بالاتری نسبت به کلریت‌های موجود در زمینه سنگ به وجود آمده‌اند. نتایج ترمومتری انواع کلریت‌های موجود در سنگ‌های مورد بررسی که توسط ترمومترهای مختلف به دست آمده، در جدول ۵ ارائه شده است.

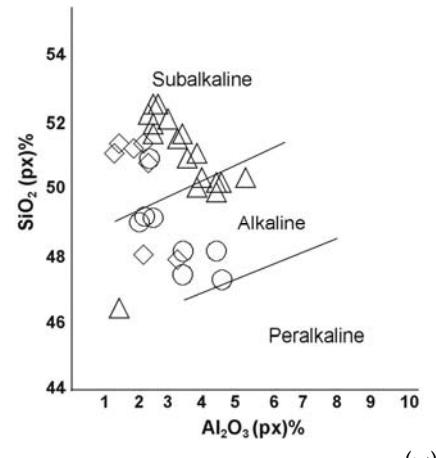
دو نوع پلازیوکلاز در زمینه سنگ‌ها، و اختلاف نتایج بارومتری کلینوپیروکسن‌ها نشان می‌دهد که سنگ‌های مورد بررسی از تبلور ساده و عادی یک مagmaی بازالتی واحد به وجود نیامده و هنگام صعود بخش‌هایی از سنگ دیواره را نیز با خود حمل نموده است. به نظر می‌رسد که magmaی بازالتی دما بالای نوع اول که کلینوپیروکسن‌های خود را متبلور نموده، دارای درشت‌بلور پلازیوکلازهای کلسیک و میکرولیت است، به مagmaی دما پایین‌تر نوع دوم که دارای کلینوپیروکسن و پلازیوکلاز سدیک‌تر داشته است، اضافه شده و بر اثر این اختلاط magmaی پلازیوکلازهای magmaی نوع دوم دارای بافت غربالی و خوردگی خلیجی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

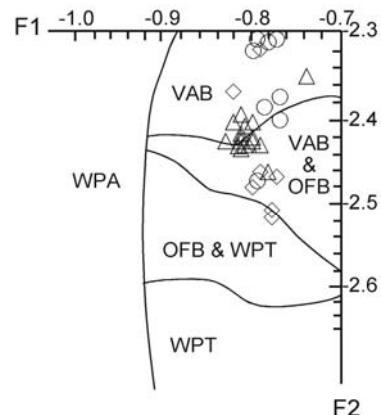
دایک‌های بازالتی منطقه برونی از کانی‌های کلینوپیروکسن، الیوین کلریتی، پلازیوکلاز، ایلمنیت و مگنتیت تشکیل شده‌اند. این بازالت‌ها دارای بافت‌های پورفیری، گلومروپورفیری، اینترگرانولار، افیتیک و غربالی بوده، ساخت منشوری را نشان می‌دهند. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که بازالت‌های منشوری منطقه برونی متعلق به کمان‌های آتشفسنی بوده، بر اثر اختلاط magmaی دو magmaی بازالتی به وجود آمده‌اند. از مهمترین شواهد این اختلاط magmaی می‌توان به وجود دو نوع کلینوپیروکسن و پلازیوکلاز با بافت‌ها و شیمی متفاوت، زونینگ نوسانی پلازیوکلازها، وجود بافت غربالی، و محدوده گستردگی دما و فشار حاصل از ترموبارومتری کلینوپیروکسن‌ها اشاره نمود. magmaی حاصل از اختلاط هنگام صعود قطعاتی از گرانیتوئیدهای الیگومن را با خود حمل کرده و در یک محیط خشکی فوران نموده است. از آنجایی که این واحد سنگی دارای انکلاوهای از گرانیتوئیدهای الیگومن بوده و همچنین تمام واحدهای آتشفسنی ائومن را قطع نموده است، لذا سن احتمالی میومن را می‌توان به این سنگ‌ها نسبت داد.

کلینوپیروکسن‌ها کانی‌های پتروژنیکی هستند که در مقابل دگرسانی مقاوم بوده، با استفاده از ترکیب آنها می‌توان نوع سری magmaی و نوع محیط تکتونیکی (Leterrier *et al.*, 1982) بررسی ترکیب شیمیایی کلینوپیروکسن‌های موجود در بازالت‌های منشوری برونی نشان‌دهنده تعلق آنها به سری magmaی ساب‌آلکالن و آلکالن بوده، بیانگر تشکیل این سنگ‌ها در محیط تکتونیکی کمان‌های آتشفسنی است (شکل ۱۰).

(الف)



(ب)



شکل ۱۰- دیاگرام‌های تعیین سری magmaی (الف) با استفاده از ترکیب شیمیایی کلینوپیروکسن‌ها (Le Bas, 1962)، (ب) محیط تکتونیکی (Nisbet and Pearce, 1977).

دیده‌شدن انکلاوهای گرانیتوئیدی، منطقه‌بندی نوسانی پلازیوکلازها، اختلاف ترکیب فنوکریست‌های کلینوپیروکسن و پلازیوکلازهای موجود در سنگ، وجود

منابع

- امامی، م.ه.، خلعتبری جعفری، م. و وثوقی عابدینی، م. (۱۳۷۱) پلوتونیسم ترشیری منطقه اردستان (ایران مرکزی). فصلنامه علومزمین ۴: ۱۴-۲.
- درویش زاده، ع.، (۱۳۷۰) زمین‌شناسی ایران. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- قربانی، م. (۱۳۸۲) مبانی آتشفشاونشناصی با نگرشی بر آتشفشاونهای ایران. انتشارات آرین‌زمین.
- Amidi, S. M. (1977) Etude géologique de la région de Natanz-Surk (Iran, Central). Thèse Ph.D., University of Grenoble, France.
- Berberian, F. (1981) Petrogenesis of Iranian plutons: a study of the Natanz and Bazman intrusive complexes. PhD thesis, Cambridge University.
- Aoki, K. and Shiba, I. (1973) Pyroxenes from lherzolite inclusions of Itinom e-gata, Japan. Lithos 6: 41-51.
- Cathelineau, M. (1988) Cation site occupancy in chlorites and illites as a function of temperature. Clay Minerals 23: 471-485.
- Cathelineau, M. and Nieva, D. (1985) A chlorite solution geothermometer. The Los Azufres (Mexico) geothermal system. Contributions to Mineralogy and Petrology 91: 235-244.
- Droop, G. T. R. (1987) A general equation for estimating Fe^{3+} concentrations in ferromagnesian silicates and oxides from microprobe analyses, using stoichiometric criteria. Mineralogical Magazine 51: 431-435.
- Jowett, E. C. (1991) Fitting iron and magnesium into the hydrothermal chlorite geothermo-meter. Geological Association of Canada/ Mineralogical Association of Canada/ Society of Economic Geology Joint Annual Meeting, Toronto.
- Le Bas, M. J. (1962) The role of aluminum in igneous clinopyroxenes with relation to their parentage. American Journal of Science 260: 267-288.
- Leterrier, J., Maury, R. C., Thonon, P., Girard, D. and Marchal M. (1982) Clinopyroxene composition as a method of identification of the magmatic affinities of paleo-volcanic series. Earth and Planetary Science Letters 59(1): 139-154.
- Lindsley, D. H. (1983) Pyroxene thermometry, American Mineralogist 68: 477-493.
- Nimis, P. and Taylor, W. R. (2000) Single pyroxene thermobarometry for garnet peridotites. Part I. Calibration and evaluation of the Cr-in-pyroxene barometer and enstatite solvus thermometer. Contributions to Mineralogy and Petrology 139: 541-554.
- Nisbet, E. G. and Pearce, J. A. (1977) Clinopyroxene composition in mafic lavas from different tectonic settings. Contributions to Mineralogy and Petrology 63: 149-160.
- Omraní, J., Agard, P., Whitechurch, H., Benoit, M., Prouteau, G. and Jolivet, L. (2008) Arc-magmatism and subduction history beneath the Zagros Mountains, Iran: A new report of adakites and geodynamic consequences. Lithos 106(3-4): 380-398.
- Rollinson, H. R. (1993) Using geochemical data: evaluation, presentation, interpretation. Longman Scientific and Technical, UK.

Petrography and mineral chemistry of basaltic dykes in the west of Borooni (SW of Ardestan, Iran): evidences of magma mixing

**Abdorazagh Jabbari^{*1,2}, Mansoor Ghorbani¹, Juergen Koepke³
Ghodrat Torabi² and Nargess Shirdashtzadeh²**

¹ Faculty of Earth Sciences, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

² Department of Geology, Faculty of Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran

³ Institute of Mineralogy, Leibniz University, Hannover, Germany

Abstract

In Borooni area (SW of Ardestan), which is a part of Uromiyeh – Dokhtar magmatic belt, the Miocene basaltic columnar-jointed dikes cross cut the Eocene volcanic rocks. These rocks contain the granitoid enclaves of Oligocene age and possibly, they are Miocene in age. The studied rocks are composed of chloritized olivine, clinopyroxene, plagioclase, chlorite, ilmenite and magnetite. Textures of these rocks are porphyritic, microlitic, microlitic porphyritic, glomerophytic, and sieved texture of plagioclases. Clinopyroxenes are augite to diopside in composition, and plagioclases range from labradorite to bytownite. Chlorites show diabantite composition and most of them produced by olivine alteration. Some chlorites are present in groundmass. Petrography and chemistry of minerals show that the parent magma subjected to a magma mixing with xenoliths of granitoid rocks during the ascending. These rocks are similar to the volcanic arc basalts.

Key words: Ardestan, Uromiyeh-Dokhtar, Iran, Basalt, Mineralogy

* jabbari@yahoo.com